

# بررسی سبک‌های متفاوت یادگیری زبان‌آموزان ایرانی در زبان‌های خارجی

روح‌الله رحمتیان<sup>۱\*</sup>، مرضیه مهرابی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه آموزش فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری گروه آموزش فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۹/۸/۹

پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۲

## چکیده

در مقاله حاضر مؤلفین به بررسی سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان ایرانی در زبان‌های خارجی می‌پردازند. در این راستا، پس از مطالعه مقوله‌های یادگیری، سبک‌ها و استراتژی‌ها به بررسی انواع متفاوت سبک‌های یادگیری پرداخته شده است. هدف از این تحقیق، شناسایی سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان ایرانی در زبان‌های خارجی است که به کمک آن مؤلفین در پی یافتن رایج‌ترین سبک‌های یادگیری و دلایل گرایش زبان‌آموزان ایرانی به این سبک‌ها در یادگیری زبان‌های خارجی می‌باشند. مؤلفین پس از مطالعه نظری، به مطالعه عملی و میدانی نزد ۶۰ نفر از زبان‌آموزان ایرانی زبان‌های خارجی (زبان فرانسه و انگلیسی) در رشته‌های مختلف و در سطح پیشرفته بین سن ۲۰ تا ۲۵ سال اقدام نموده‌اند. مطالعه میدانی از طریق پرسشنامه‌ای شامل ۳۰ سؤال محقق شده است. سؤالات پرسشنامه دربرگیرنده ۶ پارامتر متفاوت از سبک‌های یادگیری شامل یادگیری، از طریق خواندن، گوش دادن، نوشتن، صحبت کردن، نگاه کردن و اقدام به عمل می‌باشد. پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه، این نتیجه به دست آمد که در میان سبک‌های متفاوت یادگیری نزد زبان‌آموزان پیشرفته در زبان‌های خارجی، بیشترین گرایش به یادگیری از طریق صحبت کردن و کمترین گرایش به گوش دادن بوده است. در این پژوهش پس از ارائه نتایج مطالعه میدانی سبک‌های متفاوت یادگیری، دلایل گرایش به این سبک نیز بررسی شده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری، زبان‌آموزان ایرانی، زبان‌های خارجی، استراتژی‌های یادگیری، آموزش زبان.

\* نویسنده مسئول مقاله:

Email: rahmatir@modares.ac.ir

نشانی مکاتبه: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فرانسه،

صندوق پستی: ۱۳۹-۱۴۱۱۵.



## ۱. مقدمه

امروزه سبک‌های یادگیری در حوزه فن آموزش زبان، به دلیل فردی‌شدگی یاددهی/ یادگیری (یادگیری به سبک خود) و پاسخ به نیازهای فردی زبان‌آموزان، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته‌اند. طی سه دهه اخیر، با پیدایش تفکر تمرکز بر روی زبان‌آموز، این موضوع همواره توجه متخصصین فن آموزش را به خود جلب کرده است، زیرا توجه بیش‌تر به سبک‌های یادگیری، این امکان را فراهم می‌کند تا شناخت دقیق‌تری از شیوه‌های یادگیری زبان‌آموزان داشته باشیم. هدف از این شناخت دقیق‌تر، برنامه‌ریزی صحیح‌تر برای یاددهی/ یادگیری است.

دغدغه اصلی نویسندگان که به انجام این تحقیق منجر شد، این است که به چه علت زبان‌آموزان در یادگیری به نتایج متفاوتی می‌رسند. به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در میزان کارایی یادگیری در زبان‌های خارجی، می‌توان به عادت‌های خاص در یادگیری اشاره نمود. این مسئله ما را به سمت شناخت این فرض پیش برده است که عادت‌های یادگیری و نتایج حاصل از آن می‌توانند وابسته به سبک‌های متفاوت یادگیری باشند؛ لذا، مقاله حاضر که نتیجه یک مطالعه نظری و عملی می‌باشد، بر آن است تا بتواند به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- کدام سبک یادگیری نزد زبان‌آموزان ایرانی رایج‌تر است؟
  - گرایش به سبک خاصی در یادگیری زبان‌های خارجی به چه عواملی می‌تواند وابسته باشد؟
  - کدام یک از این سبک‌ها در یادگیری زبان‌های خارجی کارآمدتر است؟
- هدف جستار حاضر شناسایی سبک‌های زبان‌آموزان ایرانی در زبان‌های خارجی است و مؤلفان در پی یافتن رایج‌ترین سبک‌های یادگیری و دلایل گرایش به این سبک‌ها نزد زبان‌آموزان ایرانی در یادگیری زبان‌های خارجی می‌باشند.

ابتدا لازم است تعریفی مختصر از یادگیری داشته باشیم. یادگیری فرایندی است که از طریق آن شناخت ایجاد می‌شود که این شناخت، خود از تغییر تجربیات به دست می‌آید؛ بنابراین، می‌توان گفت شناخت از ترکیب یادگیری تجربه و تغییر آن حاصل می‌شود. به بیان دیگر می‌توان گفت یادگیری نوعی پردازش اطلاعات است، به این ترتیب که فرد ابتدا عناصر جدید اطلاعات را انتخاب و جذب می‌کند، این اطلاعات را در حافظه خود ذخیره می‌نماید و سرانجام به منظور استفاده مجدد از این اطلاعات، آن‌ها را بازیابی می‌کند. از نظر شعبانی جامع‌ترین تعریف یادگیری تعریف هیلگارد و مارکوئیز است که یادگیری را فرایند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد، بر

اثر تجربه می‌دانند (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۱).

## ۲. پیشینه تحقیق

سبک‌های یادگیری که یکی از تفاوت‌های فردی زبان‌آموزان به‌شمار می‌روند، نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند و براساس کنش‌ها، توانایی‌های شناختی و شکل‌هایی که زبان‌آموز به یادگیری خود می‌دهد، استوارند (Coulibaly, 2006: 2). تحقیقات پیرامون سبک‌های یادگیری در تلاقی دو حوزه تحقیق، یعنی شناخت<sup>۱</sup> و شخصیت<sup>۲</sup> جای می‌گیرند.

مفهوم سبک‌های یادگیری کاملاً به مفهوم سبک‌های شناختی وابسته است، به همین دلیل به‌جا است پیش از پرداختن به مفهوم سبک‌های یادگیری، به مفهوم سبک‌های شناختی بپردازیم. مفهوم سبک‌های شناختی<sup>۳</sup> ریشه در تحقیقات پیرامون شخصیت و ادراک دارد و از طریق مشاهدات در آزمایشگاه‌ها انجام می‌شود. بعضی از سبک‌های شناختی عبارت‌اند از: سبک‌های وابسته و غیروابسته به حوزه خاص (نتیجه تحقیقات ویتکین<sup>۴</sup>)، سبک‌های تأملی و غیرتأملی (اثر تحقیقات کوغان<sup>۵</sup>)، سبک‌های کل‌گرا و جزءگرا (نتایج مطالعات پاسک<sup>۶</sup>)، سبک‌های همگرا و واگرا (حاصل تحقیقات هوندسن<sup>۷</sup>)، (Page- Lamarche, 2006: 26).

در یادگیری زبان‌های خارجی، سبک‌های شناختی به عنوان یکی از بازنمودهای شناختی مطرح می‌باشند که به زبان‌آموز امکان می‌دهند به محیط خود معنای روان‌شناختی دهد.

## ۳. مفاهیم وابسته به سبک‌های یادگیری

با توجه به اینکه در گذشته مفهوم سبک‌های شناختی چندان کاربردی نبود و بسیار مرتبط به بافت آزمایشگاه بود، مفهوم سبک‌های یادگیری به وجود آمد؛ لذا می‌توان گفت که تفاوت اصلی سبک‌های شناختی و سبک‌های یادگیری در جنبه کاربردی بودن آن‌ها است. سبک‌های یادگیری به منظور متناسب کردن محتوای دروس و کلاس‌ها، با در نظر گرفتن ویژگی‌های

1. cognition/ cognition  
2. personality/ personnalité  
3. cognitive styles/ styles cognitifs  
4. Witkin  
5. Kogan  
6. Pask  
7. Hundson



فردی زبان‌آموزان به وجود آمدند و اهداف آموزشی دارند، در حالی که سبک‌های شناختی چنین ویژگی ندارند. زمانی که سبک‌های شناختی به طور خاص به بافت آموزشی وابسته است و عوامل عاطفی و فیزیولوژیکی دخیل هستند، از سبک یادگیری سخن می‌گوییم (Brown, 2007). شایسته است به این مطلب اشاره کنیم که سبک‌های یادگیری و سبک‌های شناختی هر دو از زبان‌آموز برخاسته، اما نکته قابل‌تأمل این است که سبک‌های یادگیری پس از مدتی توسط مدرس، نهاد آموزشی یا مدت آموزشی قابل‌کنترل و هدایت می‌باشند؛ در حالی که سبک‌های شناختی تنها از طرف خود زبان‌آموز قابل کنترل هستند.

در فن آموزش زبان، تاکتیک، استراتژی و سبک‌های یادگیری نیز قابل تمایزند؛ تاکتیک نشان‌دهنده فعالیت گروهی قابل‌مشاهده است و نتیجه آن قابل‌احراز می‌باشد، استراتژی مطابق با منطق حاکم بر تاکتیک است. در حالی که سبک یادگیری که مربوط به مجموعه استراتژی‌های شخصی به کار رفته می‌باشد، از طریق آن‌ها قابل‌تحقق است و در حوزه شناخت و شخصیت زبان‌آموز بروز پیدا می‌کند. می‌توان گفت سبک‌های یادگیری یکی از عواملی است که بر انتخاب استراتژی زبان‌آموز در یادگیری تأثیر می‌گذارد.

فن آموزش زبان‌های خارجی یا زبان دوم از تحقیقات پیرامون استراتژی‌های یادگیری بهره جسته و به این ترتیب به نقش زبان‌آموز و عوامل متعدد شناختی و عاطفی مؤثر در فرایند یادگیری زبان‌های خارجی توجه نموده است. بنابر نظر پُل سیر استراتژی‌های یادگیری نشان‌دهنده مجموعه اعمالی هستند که زبان‌آموز به منظور یادگیری و استفاده از زبان مقصد به کار می‌برد (Cyr, 1996: 5).

استراتژی‌ها زمانی که محقق و به دفعات تکرار می‌شوند، به صورت مکانیسم در می‌آیند. به طور کلی استراتژی‌های یادگیری به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. استراتژی‌های مستقیم که خود شامل استراتژی‌های به‌یادداری، استراتژی‌های شناختی و استراتژی‌های جبرانی هستند؛
۲. استراتژی‌های غیرمستقیم که شامل استراتژی‌های فراشناختی، استراتژی‌های عاطفی و استراتژی‌های اجتماعی می‌باشند (ibid: 33).

#### ۴. سبک‌های یادگیری

حال اگر بخواهیم به صورت خلاصه تعریفی از سبک یادگیری داشته باشیم، می‌توان گفت: سبک‌های یادگیری از نظر ریبین به شیوه‌هایی اطلاق می‌شوند که فرد براساس آن‌ها به گونه‌های متفاوتی می‌اندیشد، می‌آموزد، عمل خاصی را انجام می‌دهد و به منظور حل مسئله یا تأثیر بر روی محیط خود از آن‌ها استفاده می‌کند (Rieben, 2000: 7). با این حال، از نظر وی سبک‌های یادگیری، تنها متناسب با شیوه‌های یادگیری فرد نیست، بلکه مطابق با بُعد غالب فرد می‌باشند. این سبک‌ها امکان دسترسی به دانشی را فراهم می‌کنند که زبان‌آموز در یادگیری خود ترجیح می‌دهد. از دیدگاه فن آموزش می‌توان گفت سبک‌های یادگیری شیوه‌های قابل‌تغییری هستند که زبان‌آموز از طریق آن‌ها بر یادگیری خود تسلط پیدا می‌کند، به طرح مسئله می‌پردازد، برای یافتن پاسخ این مسائل فرضیه می‌سازد و در فرایند یادگیری خود، عکس‌العمل نشان می‌دهد. دیدگاه دیگر بر این عقیده است که سبک‌های یادگیری بر اساس شیوه‌های پردازش اطلاعات عمل می‌کنند (Bogaards, 1991: 66).

سبک‌های یادگیری در دیدگاه‌های متفاوت، به گونه‌های متعددی تعریف می‌شوند. از نظر ریچارد دودا، زبان‌آموز در پردازش اطلاعات به سمت شیوه خاصی گرایش دارد؛ این شیوه، یادگیری وی را سهولت می‌بخشد و بر نحوه عمل و استفاده از منابعی که در دسترس دارد، تأثیر می‌گذارد (Duda, 2001: 110). در این جستار، تعریف اخیر نسبت به سایر نظریه‌ها، توجه ما را بیشتر به خود جلب کرده است. روان‌شناسی تعلیم و تربیت، علوم شناختی، فن آموزش زبان‌ها و تعلیم و تربیت افتراقی در عمق بخشیدن به تعریف سبک‌های یادگیری سهم زیادی دارند.

به طور کلی می‌توان گفت چهار رویکرد به سبک‌های یادگیری پرداخته‌اند؛ رویکرد اول وابستگی و عدم‌وابستگی زبان‌آموز به حوزه یادگیری را بررسی می‌کند. در این رویکرد سبک‌های یادگیری به صورت ویژگی‌های فردی تعریف می‌شوند و شیوه‌های ثابتی را منعکس می‌کنند، لذا سبک در این رویکرد در دسته سبک‌های شناختی جای می‌گیرد (Olry- Louis, 1995: 321).

رویکرد دوم، شیوه‌ای را در نظر می‌گیرد که فرد در یادگیری خود از طریق آن اطلاعات را به دست می‌آورد و آن‌ها را به کار می‌بندد. سبک یادگیری در این رویکرد به صورت قابل‌تغییر معرفی می‌شود و در شیوه یادگیری تجربی جای می‌گیرد.

رویکرد سوم، سبک یادگیری را بر حسب موقعیت آن، چگونگی شرایط، چرایی و زمان آن می‌سنجد.



و رویکرد چهارم مربوط به بُعد اجتماعی - عاطفی سبک یادگیری است و مفاهیمی از قبیل انگیزه را در بر می‌گیرد (Théberge, Leblanc, Brabant : 1995 :504).

#### ۱-۴. انواع سبک‌های یادگیری

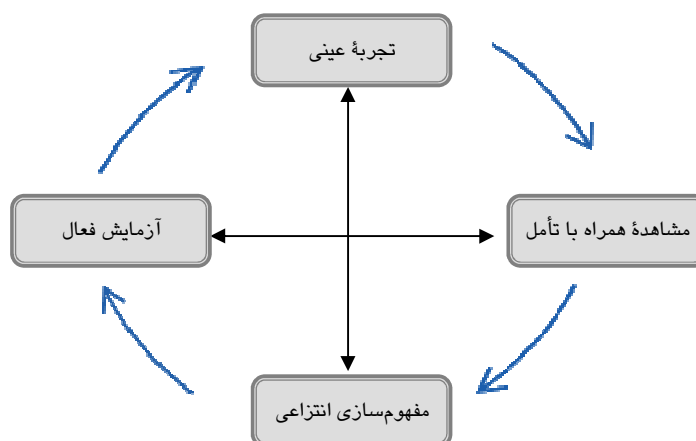
کامل‌ترین دسته‌بندی از سبک‌های یادگیری توسط دیوید کُلب ارائه شده است. با توجه به توضیحات بالا، سبک‌های پیشنهادی یادگیری توسط کُلب در رویکرد دوم و سوم جای می‌گیرد. وی در سال ۱۹۸۴ کتابی به نام «یادگیری تجربی»<sup>۱</sup> منتشر می‌کند که در آن فهرستی از سبک‌های یادگیری را ارائه می‌دهد. شایسته است پیش از معرفی سبک‌های پیشنهادی یادگیری توسط کُلب، به مفهوم یادگیری تجربی بپردازیم.

یادگیری تجربی یکی از جریان‌های آنگلساکسون است و بر این عقیده بنا شده که کنش می‌تواند منبع یادگیری باشد و دانش‌های ناشی از عمل به اندازه دانش‌های ناشی از فرایند مشاهده معتبرند. این جریان، الگوی جدیدی از یادگیری از طریق اقدام به عمل<sup>۲</sup> را ارائه می‌دهد. کلب نوعی الگوی یادگیری برحسب دو فرایند عمل و تأمل (یا تغییر) را به وجود آورده است: اولین فرایند به عمل و دومین فرایند به تجربه و مشاهده همراه با تأمل می‌پردازد. در این جاست که می‌توان رویکرد یادگیری تجربی در مفهوم کلی را به یادگیری کنشی در آموزش زبان پیوند زد. برداشت حاضر از رویکرد کنشی در آموزش زبان چنین است که در این رویکرد، یادگیری از طریق اقدام به عمل صورت می‌گیرد و در آن کنش اجتماعی موردنظر است.

از دیدگاه کلب، یادگیری به صورت نوعی چرخه یادگیری تجربی تعریف می‌شود و چهار مرحله دارد؛ چرخه با تجربه عینی<sup>۳</sup> شروع می‌شود، مرحله دوم مشاهده همراه با تأمل<sup>۴</sup> است، مرحله سوم مفهوم‌سازی انتزاعی<sup>۵</sup> می‌باشد و مرحله آخر از طریق آزمایش فعال<sup>۶</sup> کامل می‌شود. از دیدگاه کلب، دوره یادگیری براساس دو محور پیوسته است؛ از یک طرف، این چرخه از تجربه عینی به سمت مفهوم‌سازی می‌رود و از طرف دیگر، از مشاهده همراه با تأمل به سمت آزمایش فعال حرکت می‌کند. در یادگیری، هر قطب از این محورها جذابیت یا

1. experiential learning
2. learning by doing
3. concret experience/ expérience concrète
4. reflective observation/ observation réflexive
5. abstract conceptualization/ conceptualisation abstraite
6. active experimentation/ expérimentation active

تنش ایجاد می‌کند و سبک‌های یادگیری از این امر ناشی می‌شوند. می‌توان آنچه بیان شد را در شکل زیر نیز نشان داد:



در مرحله تجربه عینی فرد فعالیتی را انجام می‌دهد و درباره نوع فعالیت تأمل نمی‌کند؛ در مرحله مشاهده همراه با تأمل، درباره آنچه انجام داده و تجربه کرده می‌اندیشد، در مرحله مفهوم‌سازی انتزاعی رویدادها را تعبیر کرده و تلاش می‌نماید آن‌ها را در یک نظام نظری جای دهد و در مرحله آزمایش فعال، وی با درک جدیدی بر آن است تا پیش‌بینی کند اگر عمل را به کمک نظریه جدیدی انجام دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد.

گرایش زبان‌آموز به منتهی‌الیه هریک از این محورها، چهار سبک بنیادی یادگیری را به وجود می‌آورد که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. سبک واگرا<sup>۱</sup>: این سبک از طریق توانایی تخیل بسیار بالا مشخص می‌شود. افراد دارای این سبک قادرند به مشکلات مطرح‌شده پاسخ‌های متوالی بدهند؛ به همین دلیل در موقعیت‌هایی مانند «ریزش افکار»<sup>۲</sup> بسیار بارزتر از سایر افراد عمل می‌کنند؛
۲. سبک جذب‌کننده<sup>۳</sup>: افراد دارای این سبک به سمت نظریه‌ها گرایش دارند؛ بدون اینکه

1. diverging/ divergent

2. brain-storming/ remue-méninge

3. assimilating/ assimillant



الزاماً دغدغه کاربرد این نظریه‌ها را داشته باشند. این افراد توانایی بالایی در سنتز دارند؛  
 ۳. سبک همگرا<sup>۱</sup>: این سبک از طریق توانایی استدلال فرضی- قیاسی مشخص می‌شود.  
 افراد دارای این سبک به سمت کاربرد عملی ایده‌ها گرایش دارند و در موقعیت‌های دارای یک  
 پاسخ یا یک راه‌حل برای مشکلات، توانا تر از سایر افراد به نظر می‌رسند و  
 ۴. سبک انطباق‌دهنده<sup>۲</sup>: این سبک از طریق میل به عمل و تجربیات جدید مشخص می‌شود.  
 افراد دارای این سبک ریسک‌پذیری بالایی دارند و مشکلات را به شیوه آزمون و خطا برطرف  
 می‌کنند (Cuq, 2003: 228).

سبک‌های یادگیری متناسب با شخصیت‌ها نیز می‌توانند به طور کلی به شیوه زیر  
 دسته‌بندی شوند:

۱. شنیداری / دیداری: افرادی که از طریق کانال شنیداری یاد می‌گیرند، به طور آبی به  
 نتایج می‌رسند. این افراد به صحبت‌کردن و بازی‌کردن علاقه‌مند هستند و حافظه شنیداری  
 آن‌ها امکان می‌دهد موسیقی زبان را به‌طور آبی یاد بگیرند. برعکس، افرادی که از طریق  
 کانال دیداری یاد می‌گیرند، در موقعیت‌های ارتباطی آسیب پذیرترند؛

۲. ریسک‌کننده / کمال‌گرا: افرادی که ریسک می‌کنند، بیشتر به سمت تجربه گرایش دارند  
 تا به سمت یادگیری دانش تئوری. فرد ریسک‌کننده خود را در فرایند ارتباط قرار می‌دهد و از  
 ژست، ایما و اشاره و حتی زبان‌های دیگر استفاده می‌کند؛

۳. کل‌گرا / جزءگرا: فرد کل‌گرا رویکرد شمی دارد، درحالی‌که فرد جزءگرا به جزئیات  
 توجه می‌کند و به یادگیری جزئی گرایش دارد و

۴. تأمل‌گرا / عمل‌گرا: افراد تأمل‌گرا بیشتر به دانش تئوری گرایش دارند، درحالی‌که افراد  
 عمل‌گرا به دانش کاربردی زبان توجه می‌کنند (Barbot, 2000:51).

برای شناسایی سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان می‌توان ملاک‌های متعددی را در نظر گرفت  
 که شامل عوامل ذیل می‌باشند: سن، جنسیت، ضریب هوشی، توانایی یادگیری، ارجحیت یکی از  
 فعالیت‌ها در یادگیری، شیوه‌ای که زبان‌آموز تکلیفی را در یادگیری انجام می‌دهد و غیره.

از میان ملاک‌های دسته‌بندی سبک‌های یادگیری، دو مقوله توجه متخصصان را در حوزه  
 یاددهی / یادگیری زبان بیشتر به خود جلب کرده است که شامل ارجحیت شیوه‌های حسی در

1. converging/ convergent

2. accommodating/ accommodant



یادگیری و نظریهٔ هوش چندگانه اثر هاوارد گاردنر<sup>۱</sup> است (Arnold, 2006: 421). در جستار حاضر نیز علاوه بر بعضی از شیوه‌های حسی از قبیل گوش‌دادن و نگاه‌کردن، شیوه‌ای که زبان‌آموز تکلیفی را در یادگیری انجام می‌دهد، شامل نوشتن، صحبت‌کردن، خواندن و اقدام به عمل، ملاک شناسایی سبک‌های یادگیری زبان‌آموزان ایرانی می‌باشند؛ لذا، شیوه‌های یادشده، پارامترهای اصلی مورد مطالعه در این تحقیق به شمار می‌روند.

### ۵. معرفی جامعه آماری تحقیق

در این تحقیق برای درک دقیق از سبک‌های متفاوت یادگیری، که طبیعتاً باید از یک مطالعهٔ دقیق میدانی حاصل شود، از ۶۰ نفر از زبان‌آموزان ایرانی زبان‌های خارجی (زبان فرانسه و انگلیسی) در رشته‌های مختلف در سطح پیشرفته بین سن ۲۰ تا ۲۵ سال استفاده شد و نتایج واقعی به دست آمده از این پرسش‌نامه‌ها، عیناً توسط نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. شیوهٔ انتخاب افراد جامعهٔ مورد نظر به صورت تصادفی بوده است. به دلیل همبستگی درونی میان پارامترها (هر پنج سؤال برای یک سبک) از آزمون فریدمن استفاده شده است.

پرسشنامهٔ مورد استفاده که در ضمیمه آورده شده است، شامل ۳۰ سؤال است. برای هر یک از عوامل گرایش به خواندن، گوش‌دادن، نوشتن، صحبت‌کردن، نگاه‌کردن و اقدام به عمل به منظور یادگیری در زبان‌های خارجی پنج سؤال در نظر گرفته شده است که در آن‌ها تقسیم‌بندی سبک‌های متفاوت یادگیری را گنجانده‌ایم. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت که سؤالات ۳، ۷، ۱۵، ۲۱ و ۲۶ برای گرایش به خواندن، سؤالات ۴، ۱۲، ۱۷، ۲۴ و ۲۹ برای گرایش به گوش دادن، سؤالات ۲، ۸، ۱۳، ۲۰ و ۲۸ برای گرایش به نوشتن، سؤالات ۶، ۱۱، ۱۸، ۲۳ و ۳۰ برای گرایش به صحبت‌کردن، سؤالات ۵، ۱۰، ۱۴، ۱۹ و ۲۷ برای گرایش به نگاه‌کردن و سؤالات ۱، ۹، ۱۶، ۲۲ و ۲۵ برای گرایش به اقدام به عمل در یادگیری طرح شده‌اند. برای برآورد پایایی پرسشنامه حاضر، از ضریب آلفا استفاده شده است. مقدار ضریب پایایی پرسشنامه (۹۱.۶۰٪) بوده است. متن پرسشنامه نیز در اختیار متخصصین قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات، اعتبار محتوا (Content Validity) و اعتبار صوری (Face validity) پرسشنامه مورد تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت.

1. Howard Gardner



## Reliability Statistics

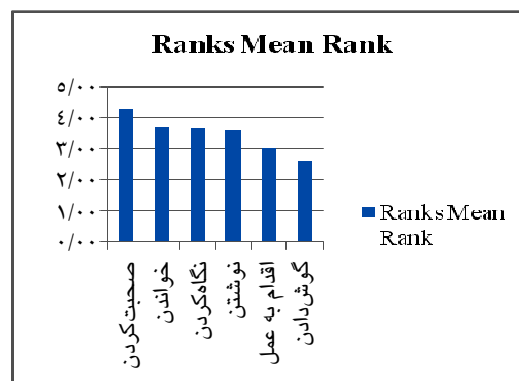
Cronbach's Alpha	N of Items
۹۱/۶۰	۳۰

## ۶. نتایج پژوهش

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، هدف از تحقیق حاضر شناسایی سبک‌های متفاوت یادگیری زبان‌آموزان ایرانی در یادگیری زبان‌های خارجی است. نتایج حاصل از مطالعه میدانی نشان داد که زبان‌آموزان ایرانی در سطح پیشرفته، به ترتیب به یادگیری از طریق صحبت‌کردن، خواندن، نگاه‌کردن، نوشتن، یادگیری از طریق اقدام به عمل و گوش‌دادن گرایش دارند. آنچه بیان شد در جدول و نمودار ذیل نشان داده شده است:

## Friedman Test

Ranks	
	Mean Rank
صحبت‌کردن	۴/۳۰
خواندن	۳/۷۴
نگاه‌کردن	۳/۹۶
نوشتن	۳/۶۲
اقدام به عمل	۳/۰۴
گوش‌دادن	۲/۶۱



رایج‌ترین سبک در سطح پیشرفته گرایش به صحبت‌کردن است. توجه این قضیه می‌تواند بدین صورت باشد که زبان‌آموزان ایرانی در سطح پیشرفته پس از مدتی که به زبان تسلط یافتند، تمایل دارند از خود و احساسات خود به زبان خارجی صحبت کنند. از آنجایی که گرایش به خواندن (به‌خصوص خواندن به صورت بی‌صدا)، فعالیت چندانی از زبان‌آموزان نمی‌طلبد و مدرسان نیز تأکید زیادی بر این فعالیت در سطح پیشرفته دارند، این گرایش در مرتبه دوم جای گرفته است. نگاه‌کردن جایگاه متوسط به بالا را در جدول به خود اختصاص داده، زیرا گرایش به این فعالیت هم نزد زبان‌آموزان فعال و هم نزد زبان‌آموزان غیرفعال رایج است. نوشتن در زبان خارجی امری دشوار تلقی می‌شود و همیشه ترس از آن وجود دارد، بنابراین گاهی از طرف زبان‌آموزان به عنوان یک مانع پیشرفت در یادگیری محسوب می‌شود؛ با این حال در سطح پیشرفته‌تر، این ترس تعدیل می‌یابد و به این دلیل مشاهده می‌شود که این سبک یادگیری جایگاه متوسط به پایینی را به خود اختصاص داده است. یادآور می‌شویم که در نظام یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان اول در کشور ما، نوشتن به شیوه روشمند چندان موردتوجه نیست، بنابراین نوشتن جایگاه بالایی را در مشخص کردن سبک یادگیری برای زبان‌آموزان مورد مطالعه، به خود اختصاص نداده است. در اینجا منظور این است که عادت‌های یادگیری از مسیر یادگیری زبان اول شکل می‌گیرند. اقدام به عمل در رده پایین‌تر جدول قرار می‌گیرد، زیرا در نظام آموزشی کشور ما تفکر انتقادی و نیز جرئت به استفاده از توانش کم است. اینکه یادگیری از طریق اقدام به عمل جایگاه پایینی دارد، می‌تواند بیشتر ناشی از این باشد که در ایران یادگیری از طریق گروهی و میان گروهی و مباحثه چندان رایج نیست. و سرانجام، با توجه به اینکه گوش‌دادن، به‌ویژه در زبان خارجی، مستلزم توجه بسیار زیادی است، گرایش به این سبک پایین‌ترین جایگاه را دارد. زبان‌آموزان در کلاس زبان خارجی هرچه بیشتر صحبت می‌کنند، احساس می‌کنند که بیشتر یاد گرفته‌اند و هرچه بیشتر در کلاس در شرایط گوش‌دادن قرار بگیرند، احساس می‌کنند کمتر یاد می‌گیرند؛ بنابراین، تا اندازه‌ای قابل‌انتظار است که سبک یادگیری از طریق گوش‌دادن در رده آخر قرار بگیرد. در کلاس‌های سنتی نیز شاهد هستیم که وقتی زبان‌آموزان همواره در موقعیت گوش‌دادن قرار می‌گیرند، یادگیری کارآمدی چندانی ندارد و به افزایش دانش تئوری منتهی می‌شود؛ این در حالی است که امروزه در زبان‌های خارجی تنها به دانش تئوری اکتفا نمی‌شود، بلکه بر دانش



کاربردی زبان<sup>۱</sup> و حتی زبان زیستی<sup>۲</sup> در موقعیت‌های مختلف نیز تأکید می‌شود.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

زبان‌آموزان از طریق تقویت فراشناخت خود<sup>۳</sup> در می‌یابند که یادگیری آن‌ها چگونه حاصل می‌شود و با شناخت سبک یادگیری خود دربارهٔ موقعیت یادگیری خود تأمل می‌کنند و بدین ترتیب، استراتژی‌های مطابق با سبک یادگیری خود را انتخاب می‌کنند.

یادآور می‌شویم که سبک‌های یادگیری فقط یک نوع مقوله را ایجاد نمی‌کنند تا بتوانیم نوع‌شناسی واحدی را به وجود آوریم و افراد را در این توصیفات محدود کنیم. با در نظر گرفتن دغدغهٔ اولیه که اشاره به نتایج متفاوت یادگیری کردیم، می‌توان تأیید نمود که سبک‌های متفاوت یادگیری بیشتر ریشه در نظام آموزشی و عادت‌های شکل گرفته در زبان اول دارند. در اینجا باید بیان کرد که یکی از ویژگی‌های یادگیری مؤثر، توانایی متعدد کردن سبک‌ها و استراتژی‌های خود در موقعیت‌های متفاوت است. باید به سبک یادگیری زبان‌آموزان احترام گذاشت. باید افزود که یادگیری کارآمد زمانی صورت می‌گیرد که زبان‌آموز قادر باشد به سبک‌های یادگیری خود تنوع بخشد و مدرس نیز می‌تواند به این امر ارزش دهد. می‌دانیم که عوامل دیگری از قبیل سن، عادات فرهنگی، سطح یادگیری، انگیزه و نهاد آموزشی بر روی سبک‌های یادگیری تأثیر گذارند.

از آنجاکه سبک‌های یادگیری می‌توانند در یک زبان‌آموز با زبان‌آموز دیگر متفاوت باشند، مدرس زبان خارجی نیز باید شیوه‌های تدریس خود را متنوع سازد تا بتواند فعالیت‌هایی را فراهم کند که پاسخگوی این سبک‌ها باشند. همان‌طور که در روان‌شناسی زبان نیز به آن اشاره شده، زمانی که فعالیتی برای زبان‌آموز معنادار باشد، یادگیری افزایش می‌یابد؛ بنابراین با متنوع کردن شیوه‌های خود در تدریس، بیشتر به حوزهٔ معناداری زبان‌آموزان وارد می‌شویم و به این ترتیب یادگیری افزایش خواهد یافت. با در نظر گرفتن این مسئله می‌توان میان سبک‌های یادگیری و سبک‌های تدریس رابطه‌ای به وجود آورد.

در آخر باید گفت افزود که اگر این تحقیق در مورد زبان‌آموزان سطح مبتدی یا متوسط

1. know- how (practical knowledge)/ savoir- faire

2. self- awareness/ savoir- être

3. metacognition/ métacognition

در زبان خارجی و یا در مورد سبک یادگیری در زبان مادری انجام شود، ممکن است نتایج یکسانی به دست نیاید؛ بنابراین راه به سمت سایر تحقیقات با در نظر گرفتن عناصر دیگر از قبیل سن، جنسیت و سطوح مختلف در یادگیری گشوده است.

## ۸. منابع

- شعبانی، حسن. ۱۳۷۹. *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*. تهران: سمت
- Arnold, Jane. (2006). "Comment les facteurs affectifs influencent-ils l'apprentissage d'une langue étrangère", Vol. 4, No. 144, pp.421. in *ELA*.
- Barbot, Marie-José. (2000). *Les auto-apprentissages*. Paris: Clé international.
- Bogaards, Paul. (1991). *Aptitude et affectivité dans l'apprentissage des langues étrangères*. Paris: Hatier/ Didier.
- Brown, Douglas. H. (2007). *Principles of language learning and teaching*, fifth Edition. Pearson Longman.
- Coulibaly, Bernard. (2006). "Essai de détermination de styles d'apprentissage collaboratif à distance, pp.2. in *colloque Jocair*: première journée communication et apprentissage instrumenté en réseau. site : <http://www.halshs.archives-ouvertes.fr/docs/00/13/84/74/PDF/18-Coulibaly.pdf>
- Cuq, Jean-Pierre. (2003). *Dictionnaire de didactique du français*. Paris: Clé international.
- Cyr, Paul. (1996). *Les stratégies d'apprentissage*. Paris: Clé international.
- Duda, Richard. (2001) "Du style d'apprentissage au comportement oral en langue étrangère". *Le Français dans le Monde, Recherches et Applications: Oral: variabilité et apprentissages*, No. spécial, janvier. 2001.
- Lavault, D. (1992). *Les styles cognitifs*. Notes de cours non publiées. Ottawa: Université d'Ottawa.
- Olry-Louis, Isabelle. (1995). "Les styles d'apprentissage : des concepts aux mesures". *L'année psychologique*, Vol. 95, No. 2.



- Page-Lamarche, Violaine. (2004). *Styles d'apprentissage et rendement académique dans les formations en ligne*. Thèse de doctorat. Université Montréal.
- Rieben, L. (2000). "A quelles conditions la notion de style d'apprentissage peut-elle devenir heuristique pour le champ de l'éducation?". *ACELF*, Vol.28. No.1.
- Thériège, Mariette. Raymond LEBLANC. Michel BRABANT. (1995). "Le style d'apprentissage d'étudiants de la formation à l'enseignement". *Revue des sciences de l'éducation*, Vol. 21, No. 3.

### ۹. ضمیمه

پرسشنامه زیر شامل ۳۰ سؤال است. برای هر سؤال با توجه به یادگیری خود در زبان خارجی به ترتیب امتیاز ۵، ۳، ۱ بدهید:

امتیاز ۵: در صورتی که فکر می‌کنید این روش برای یادگیری شما در زبان خارجی بسیار رضایت‌بخش است؛

امتیاز ۳: در صورتی که فکر می‌کنید این روش برای یادگیری شما در زبان خارجی رضایت‌بخش است؛

امتیاز ۱: در صورتی که فکر می‌کنید این روش برای یادگیری شما در زبان خارجی چندان کارآمد نیست.

امتیاز	سؤال
	۱. در حین یادگیری در کلاس بازی‌های سرگرم کننده انجام می‌دهیم.
	۲. مدرس آنچه را درس می‌دهد در کلاس دیکته می‌کند و ما می‌نویسیم.
	۳. همه زبان‌آموزان بخشی از درس را به نوبت می‌خوانند.
	۴. یکی از زبان‌آموزان متنی را در کلاس می‌خواند و ما گوش می‌دهیم.
	۵. مدرس تصویر و عکس‌هایی را به کلاس می‌آورد و از ما می‌خواهد به آن‌ها نگاه کنیم.
	۶. به صورت گروهی در مقابل کلاس ایفای نقش می‌کنیم.
	۷. مدرس متنی را به ما می‌دهد و از ما می‌خواهد آن را بی‌صدا برای خود بخوانیم.
	۸. خلاصه درس را برای خود می‌نویسم.
	۹. در کلاس به ساختن تمرین می‌پردازیم.
	۱۰. در کلاس فیلم آموزشی نگاه می‌کنیم.

امتیاز	سؤال
	۱۱. در کلاس درباره موضوع مشخصی بحث می‌کنیم.
	۱۲. یکی از زبان‌آموزان سخنرانی ارائه می‌دهد و ما گوش می‌دهیم.
	۱۳. در حین کلاس یادداشت برمی‌دارم.
	۱۴. مدرس نقشه کشوری که زبان آن را می‌خوانیم، به کلاس می‌آورد و به ما نشان می‌دهد.
	۱۵. متنی را که سر کلاس خوانده شده دوباره در خانه می‌خوانم.
	۱۶. به بازی با کلمات می‌پردازم.
	۱۷. مدرس موضوع مشخصی را توضیح می‌دهد و ما گوش می‌دهیم.
	۱۸. برای همکلاسی‌هایم توضیح می‌دهم چگونه مشکلی را حل کردم.
	۱۹. مدرس درباره موضوع درس، اسلایدهایی را نشان می‌دهد.
	۲۰. متن کوتاهی را درباره موضوع مشخصی می‌نویسم.
	۲۱. متنی را با صدای بلند برای خود می‌خوانم.
	۲۲. شیمای آنچه را یاد می‌گیرم می‌کشم.
	۲۳. سر کلاس درباره آنچه برای ما جالب بوده صحبت می‌کنیم.
	۲۴. توضیحات کاست یا لوح فشرده‌ای را در کلاس گوش می‌دهیم.
	۲۵. زیر ایده‌های اصلی یک متن خط می‌کشم.
	۲۶. درباره یک موضوع مشخص کتاب می‌خوانم.
	۲۷. کتاب عکس داری را ورق می‌زنم.
	۲۸. موضوعاتی را که باید مطالعه کنم یادداشت می‌کنم.
	۲۹. به رادیو و یا ابزار صوتی گوش می‌دهم.
	۳۰. سر کلاس ترجیح می‌دهم حرف بزنم.